

اسرار تاریخی کمیته مجازات



(۷)



بهادر السلطنه در اعترافات خود می گوید :

و ... روری ابوالفتح زاده را در خیابان دیدم از زیادی مخارج و افزایش تمداد تروریست و هزینه روز افزون کمیته و کمی درآمد کار شکایت داشت و اظهار نمود شما هم که در این مورد بما کمکی نکرده اید . گفتم من بیش از حد وظیفه کمک کرده ام و شما نسبت بمن اظهار قدردانی نمی کنید و بعد از استعفای کابینه و ثرق الدوله و تشکیل کابینه جدید شما و منشی زاده حتی بمن نگفتید حالا دیگر نوبت کار تو است و باید با وسائلی که میدانی با فرد دزد و ز راه وارد مذاکره شوی و در برداشتن رؤسای دوایر وزارتخانه و تعیین جانشین آنان و کاندیدهای کمیته مجازات اقدام کنی .

شما نمی دانید از بدو تشکیل کابینه جدید من خواب و راحتی را بر خود حرام کرده و شب و روز دوندگی می کنم و یا بوسائل گوناگون پیغام می دهم و چون وزراء در حق من رأفت دارند از منطق و عقل دور است که من خود یا کمیته را به آنها معرفی و در مورد اشخاص تقاضاهائی بنمایم ، بنابر این ناچارم بنحو شایسته و مناسبی با آنان وارد مذاکره شوم . ولی از يك طرف اظهارات و کنایه ها و تهدید های شما اعضای کمیته مجازات مرا خسته کرده است و دیگر حاضر نیستم این قبیل مطالب از ناحیه شما بمن نسبت داده شود و یا مرا مورد سوءظن قرار بدهید ...

ابوالفتح زاده - بگو به بینم وسیله وزراء چه کاری برای کمیته مجازات انجام داده ای ؟

بهادر السلطنه - حالا منت نمی گذارم ولی هر یک از وزره در وزارتخانه های خود اصلاحاتی را شروع نموده و برخی از مسئولان امور را که لیاقت و استحقاق نداشته اند از کار برکنار کرده اند .

ابوالفتح زاده - شما می خواهید معاونت منشی زاده را به مامنت بگذارید ؟ این کار اصلا به شما ربطی ندارد و خود کمال الوزاره تقاضا کرده است که منشی زاده معاونت او را بپذیرد و منشی زاده حاضر بقبول این سمت نشد .

بهادر السلطنه - بیایید شمارا نزد وزیر مالیه ببرم تا معلوم شود که چه زحماتی را برای خاطر شما متحمل شده ام .

ابوالفتح زاده - منشی زاده این کار را قبول نخواهد کرد زیرا باید مقامات بالاتری را احراز کند این عده که این همه فداکاری می کنند برای اینست که وزراء دیگر به میل خود عمل نکنند .

بهادر السلطنه چون می بیند از مشاجره لفظی نتیجه بدست نمی آورد لحن کلام خود را تغییر داده و برای اینکه بتواند از کمیته مجازات برای وثوق الدوله تأمین بگیرد می گوید :

« ... آقای ابوالفتح زاده ، من باید مطلب بسیار محرمانه ای را با شما در میان بگذارم و تا زمانیکه مناسب نباشد باید این موضوع ما بین ما دونفر کاملا مکتوم بماند ، ابوالفتح زاده اظهارات مرا تصدیق کرد و من اضافه کردم که شخصی مبلنی برای من ارسال داشته و کاغذ دوستانه ای برای من نوشته است که اگر بتوانیم برای او تأمین جانی بگیریم چند روزی این وجه ارسالی گشایش در کار کمیته ایجاد خواهد کرد ... »

ابوالفتح زاده از اظهارات بهادر السلطنه خوشحال بنظر رسید و با اتفاق بمنزل بهادر السلطنه رفته و او نامه وثوق الدوله را به ابوالفتح زاده نشان میدهد و عین سیصد توهان را تسلیم می کند که مقرر می شود ابوالفتح زاده در کمیته مطرح و نتیجه را اعلام کند .

بهادر السلطنه می گوید یا تأمین لازم را بوثوق الدوله بدهید و یا کلیه وجوهی که در چند نوبت برای کمیته رسیده بعلاوه این وجه مسترد دارید و بالاخره ابوالفتح زاده قرار می گذارد در این مورد با منشی زاده مذاکره کند مشروط بر اینکه بهادر السلطنه از مبلغ وجهی که به ابوالفتح زاده داده شده صحبتی با منشی زاده بمیان نیاورد و مدعی می شود در راه کمیته مجازات مبالغ هنگفتی متضرر شده است که باید از این طریق جبران گردد ... »

بهادر السلطنه درد نباله اعتراضات خود می گوید:

« ... روز دیگر ملاقاتی بین من و منشی زاده و ابوالفتح زاده دست داد و منشی زاده خطاب بمن گفت : شما ماشاء الله بچه را فریب می دهید ، وثوق الدوله می خواهد با این

مبالغ جزئی تامین بگیرد . وی باید لاقلاً بیست هزار تومان بدهد ؟

و چون می دانستم اینها برای کار کمیته مجازات احتیاج بکمک مالی دارند زیاد دنبال صحبت را نکردم و گفتم دیگر هیچ حرفی را قبول ندارم یاعین وجوه دریافنی رامستر د دارید یا نظیر سردار معظم خراسانی (تیمور تاش) تأمین نامه ای مهور به مهر کمیته بمن بدهید که از این دو چیز یکی را بوثوق الدوله برسانم بالاخره پس از مذاکرات و مشاجرات زیاد قرار شد تاسه روز یکی از دو پیشنهاد مرا عملی سازد .

نظمیه در مواضعه و مواجعه ای که بین بهادر السلطنه از یکطرف و ابوالفتح زاده و منشی زاده ترتیب میدهد ابوالفتح زاده منکر قسمتی از اظهارات و اعترافات بهادر السلطنه شده میگردد :

« ... در خصوص پول وثوق الدوله ، ابدأ یک هزار و یکصد تومان از بهادر السلطنه دریافت نکرده و فقط روزی ، بهادر السلطنه چهارصد تومان پول و نامه ای از وثوق الدوله به من ارائه نمود که نامه مذکور بمنوان بهادر السلطنه بود و گفت وثوق الدوله این نامه را برای من فرستاده که بدخواه خود این پول را خرج کنم تا شاید برای او راه نجاتی پیدا کنم و اگر در این راه موفق شوم وثوق الدوله حاضر است ماهیانه بسودجه و هزینه کمیته مجازات را تأمین کند ... »

من جواب دادم وثوق الدوله در موقعیتی است که ابدأ نمیتوان اسم او را پیش اعضای کمیته مجازات ذکر نمود ... »

بعد بهادر السلطنه پیشنهاد کرد که مقصود من همرای با وثوق الدوله نیست ، اگر ممکن باشد با یک راهی که محبوبیت ، در نزد عامه زیادتر شود وثوق الدوله را بقتل به رسانیم و من جواب او را موکول بمذاکر با منشی زاده نمودم ... »

بهادر السلطنه در اعترافات خود در نظمیه در مورد اقدامات کمیته مجازات در برکناری بعضی مقامات مسئول اینطور توضیح میدهد :

تهدید کمیته مجازات به برکناری مسئولان امور دوائر

دولتی

« ... بعد از تشکیل کابینه علاء السلطنه روزی ابوالفتح زاده - منشی زاده - مشكوة الممالك تصویب کردند اسامی کسانی که باید از وزارتخانه ها خارج و یا از شغل خود برکنار شوند روی کاغذ نوشته شود و صورت اسامی اشخاصی که باید بجای آنان گمارده شوند نیز در مقابل قید گردد و این کار بعهده بهادر السلطنه گذارده شد که با وزراء و مقامات مسئول وارد مذاکره شود و سعی کند که نتیجه مطلوب بدست آید .

من از قبول پیشنهاد کمیته امتناع و گفتم بعنوان دولت خواهی باید بوزراء گفته

شود که چون افکار عمومی متوجه فلان شخص می‌باشد لذا مصلحت ایجاب می‌کند که شغلی مناسب باو رجوع شود والا آنطوریکه شما می‌گوئید چگونه من نزد وزراء بروم و رسماً تقاضاهای شماها را عنوان کنم؟ قطعاً طرح این مطالب شرط عقل نیست تا چه رسد به اقدامش. بالاخره قرار شد منشی زاده صورتی از اسامی افرادی که باید از کار برکنار شوند بمن به دهد که خلاصه آن بشرح زیر می‌باشد:

۱ - کسانی که باید از وزارت مالیه اخراج شوند: عمید السلطنه - منتخب الدوله قوام حضور - میرزا احمد خان آذری - دکتر محمد مصدق السلطنه معاون وزارت مالیه.

۲ - از وزارت امور خارجه: مجد السلطنه - اعتلاء الدوله - منشور الملك و نصیر الدوله معاون وزارت خانه.

۳ - از وزارت جنگ: سردار انتصار - وثوق السلطنه داور معاون وزارتخانه.

۴ - از وزارت عدلیه: اسعد السلطان رئیس سابق اجرا - و معاون سابق وزارتخانه.

۵ - از وزارت داخله: عدل الملك دادگر معاون - هذب السلطان رئیس دفتر پسر کامران میرزا در مقابل کسانی که باید به جانشینی اشخاص فوق منصوب شوند:

۱ - در وزارت مالیه - حاج امین الضرب بجای مصدق السلطنه.
کمال الوزاره برای ریاست تشخیص مالیات.

منشی زاده برای ریاست اداره وظایف - ابوالفتح زاده به جای آذری.
۲ در وزارت داخله - حاج خان مائور حاکم قزوین بجای عدل الملك بمعاونت وزارتخانه.

۳ در وزارت جنگ - دکتر ابراهیم خان شفیع زاده بجای رئیس محاکمات مسکری. بهادر السلطنه می‌گوید صورت های بالا را بنام خود بیکی از وزراء داده و گفتیم اینها را به خیال خود و از روی افکار عمومی تهیه کرده ام و مصلحت دولت در اینست که حتی الامکان طبق آن عمل نماید.

توضیح: بهنگام دستگیری منشی زاده صورت اسامی اشخاص فوق در موقع تفتیش بدنی بدست آمد که آن اوراق با اظهارات بهادر السلطنه انطباق داشت و ذیل شماره های ۳۱-۳۲ و ۴۱-۴۲ ضمیمه پرونده محاکماتی متهمین کمیته مجازات گردید. نگارنده، بهادر السلطنه در اظهارات خود مدعی است که:

... کارم منحصر شده بود؛ اینکه وزرای عظام را ملاقات و برای کار اعضای کمیته مجازات بالحضی ملایم استدعا و تقاضا کنم و یا نصیر السلطنه و یا وثوق السلطنه داور را شفیع و واسطه قرار دهم و همیشه این ملاحظه را داشتم که مطالب خود را در لافافه و سر پوش با وزراء در میان بگذارم تا باعث زحمت و گرفتاری نشود تا اینکه این اواخر ابوالفتح - زاده اصرار داشت که ریاست بریگاد وزارت جنگ بوی تفویض گردد و من کراراً وزیر جنگ را ملاقات کردم و بدبخت تر از من و وثوق السلطنه داور (پدر آقای محمد داور استاندار سابق خراسان) را لحظه فرصت و مهلت نمدادم ولی ابوالفتح زاده برخلاف انصاف کمر قتل او را بسته بود. مشیر الدوله وزیر جنگ با کمال رأفت حاضر شدند ریاست محاکمات

عسگریه وزارت جنگ را به ابوالفتح زاده واگذار نماید ولی ابوالفتح زاد، زیر بار نرفت و اصرار به شغل ریاست بر یکبار داشت و میگفت تا زمانیکه تروریست‌ها را در بر یکبار وزارت جنگ جای ندهم از پای نخواهم نشست ... »

چگونگی فاش شدن تصمیمات کمیته مجازات

بهادر السلطنه در ضمن اعترافات خود میگوید :

(... روزی ابوالفتح زاده بمن گفت مادر صد قتل قوام الدوله هستیم و من وسیله طهیر الدوله مجرمانه مراتب را به قوام الدوله اطلاع دادم و او را از مرگ حتی نجات دادم و بعداً هر چه ابوالفتح زاده تروریست‌های خود را بباغ قوام الدوله فرستاد از کار خود نتیجه‌ای نگرفت یکبار هم شنیدم اعضای کمیته قصد جان مجد السلطنه را کرده‌اند و من از یک نفر احوال او را پرسیده و پیغام دادم خودش را محافظت کند که خطر برایش نزدیک شده است ولی بعداً از مجد السلطنه و خیانت‌های او داستان‌ها شنیدم و از کرده خود زادم شدم ...)

«... در خصوص تصمیم کمیته مجازات در مورد قتل قائم مقام الملك رفیع ابوالفتح - زاده موضوع را با من در میان گذارد جواب صریحی ندادم . (چون تروریست‌ها موفق به قتل قائم مقام الملك رفیع نشدند لذا اینطور بنظر میرسد که بهادر السلطنه ویرا از خطر یکبار او را تهدید میکند بر حذر ساخته نگارنده . »

«... روزی هم شنیدم که کمیته مجازات شکار دیگری در نظر دارد که پس از تحقیق معلوم شد وثوق السلطنه داور است ، از یکی از دوستان خود که بمنزل آمده بود جریان احوال وثوق السلطنه را جوینا شدم ، آن دوست از وی تعریف و تمجید بسیار نمود و من هم وسیله او وثوق السلطنه را ملاقات و او را از مرگ قطعی و حتمی نجات دادم و ابوالفتح زاده بر سر این مطلب از من رنجش پیدا کرد و حتی مرا تهدید بمرگ کرد و من گفتم اگر مقصود کشتن افراد خائن است بیایید من و شما هر دو موزر برداشته بسراغ سپهسالار برویم و حتماً چون ما را می‌شناسند از ما بخوبی پذیرائی خواهند کرد ما هم براحتی خواهیم توانست او را از میان برداریم و اگر نظمی ما را بجرم قتل سپهسالار دستگیر کنند لاقلاً برای ما اسباب شرافت خواهد بود و آقای محمد داور را استاندار سابق خراسان فرزند ارشد مرحوم وثوق السلطنه داور است که به نیکنامی اشتهار دارد ، ابوالفتح زاده در جواب گفت معلوم نیست اغلب رجال افرادی بهتر از سپهسالار باشند و من گفتم شما از سپهسالار حمایت میکنید و من حق دارم از وثوق السلطنه دفاع کنم ... »

زمان خان منشی نظمیه در متن گزارش خود مینویسد :

«... در ضمن ملاقاتی که وثوق الدوله با سردار معظم خراسانی و وثوق السلطنه میکند آنها نیز به وثوق السلطنه توصیه مینمایند که با بهادر السلطنه گرم بگیرد . پس از چند جلسه ملاقاتی که بین بهادر السلطنه و وثوق السلطنه دست میدهد مسئله بدینجا ختم می‌شود که وثوق الدوله نامه‌ای به کمیته مجازات بنویسد و شرح خدمات خود را بیان کند تا اقدامات لازم از طرف بهادر السلطنه بعمل آید ولی بعداً بعلت دستگیری اعضای کمیته نتیجه لازم بدست نمی‌آید ... » (ادامه‌داود)